

## اهمیت ادب در گفتار، از دیدگاه قرآن

یکی از دستورات اخلاقی اسلام به مسلمانان این است که در هنگام سخن گفتن ادب و نزاکت در گفتار را نسبت به مومن و کافر رعایت کنند. خداوند متعال می فرماید:

﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾<sup>۱</sup>

با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنِّ

الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾<sup>۲</sup>

و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند، چرا که [شیطان به وسیله سخنان نامناسب]، میان آنها فتنه و فساد می کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده

---

۱. بقره: ۸۳.

۲. اسرا: ۵۳.

است!<sup>۱</sup>

بد سخن گفتن گاهی موجب شکستن حرمت افراد شود که به راحتی جبران نمی‌شود. معروف است که می‌گویند زخم زبان بدتر از زخم شمشیر است. گاهی یک حرف، یک عمر انسان را آزار می‌دهد و گاهی موجب اختلافات بزرگ می‌شود. خوب سخن گفتن یک نوع مهارت است که باید آن را کسب کرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر مشرکان با نهایت انصاف و ادب، به گونه‌ای که طرف از مرکب لجاج و غرور پایین آید و به اندیشه و فکر بپردازد<sup>۲</sup>، فرمود:

﴿إِنَّا أَوْ إِبَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۳</sup>

و ما یا شما بر [طریق] هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!

پیامبران الهی نه تنها در هنگام سخن گفتن با دیگران ادب را رعایت

۱. در اینکه منظور از عباد در این آیه کیانند؟ دو عقیده متفاوت در میان مفسران وجود دارد که هر یک با قرآنی تأیید می‌شود:

۱ - منظور از عباد بندگان مشرکند، گر چه آنها راه خطا را پیش گرفته‌اند اما خداوند برای تحریک عواطف انسانی آنها با تعبیر به عبادی (بندگانم) از آنها یاد کرده و آنانرا دعوت می‌کند که به سراغ احسن یعنی کلمه توحید و نفی شرک بروند و مراقب وسوسه‌های شیطان باشند، و به این ترتیب هدف از بیان این آیات بعد از ذکر دلائل توحید و معاد نفوذ در دل مشرکان است تا آنها که آمادگی دارند، بیدار شوند و به راه آیند. مکی بودن این سوره با توجه به اینکه در آن زمان حکم جهاد نازل نشده بود و تنها راه مبارزه، مبارزه منطقی بود نیز این معنی را تأیید می‌کند.

۲ - کلمه عبادی اشاره به مؤمنان است و روش بحث با دشمنان را به آنها می‌آموزد چرا که گاهی مؤمنان تازه کار طبق روشی که از پیش داشتند با هر کس که در عقیده با آنها مخالف بود به خشونت می‌پرداختند، و آنها را صریحا اهل جهنم و عذاب و شقی و گمراه می‌خواندند و خود را اهل نجات، و این سبب می‌شد که مخالفان یک حالت منفی در برابر دعوت پیامبر<sup>۹</sup> به خود بگیرند. تفسیر نمونه ج ۱۲، ص ۱۵۹

۲. تفسیر نمونه: ج ۱۸، ص ۸۳.

۳. سبأ: ۲۴

می‌کردند، بلکه در پاسخ سخنان نابخردانه دیگران نیز عفت کلام را از دست نمی‌دادند. به عنوان نمونه می‌توان از برخورد حضرت هود علیه السلام با مشرکان یاد کرد؛ هنگامی که مشرکان نسبت سفاقت به ایشان دادند. حضرت نفرمود شما خودتان سفيه هستيد، بلکه فرمود: من سفيه نيستم. قرآن کریم، این حکایت را چنین نقل می‌فرماید:

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَنظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾<sup>۱</sup>

گفتند ما تو را در سفاقت و سبک مغزی می‌بینیم و گمان می‌کنیم تو از دروغ‌گویان باشی.<sup>۲</sup>

اما هود علیه السلام با وقار و ادبی که مخصوص رهبران راستین و انسان‌های وارسته است، فرمود:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

هیچ‌گونه سفاقتی در من نیست [و وضع رفتار و گفتار من، بهترین دلیل بر سرمایه‌های عقلانی من است]، من فرستاده پروردگار جهانیانم.

۱. اعراف: ۶۶.

۲. سفاقت و سبک‌مغزی از نظر آن‌ها این بود که انسانی بر خلاف سنت‌های محیط - هر چند غلط و نادرست باشد - به‌پا خیزد و حتی جان خود را در این راه به خطر افکند، سفاقت در منطق آنان این بود که کسی هم‌رنگ محیط نشود، نان را به نرخ روز نخورد، برای سنت‌شکنی به‌پا خیزد و هرگونه ناراحتی و دردسری را برای خود بخرد. تفسیر نمونه: ج ۶، ص ۲۲۸.

۳. اعراف: ۶۷.

حضرت علی(ع) فرمود:

و ذُو سَفَهٍ يُوَجِّهُنِي بِجَهْلٍ      اَنَا أَكْرَهُ أَنْ أَكُونَ لَهُ مُجِيبًا

يَزِيدُ سَفَاهَةً وَأَزِيدُ حِلْمًا      كَعُودٍ زَادَ فِي الْإِحْرَاقِ طَبِيبًا<sup>۱</sup>

اگر انسان نادانی به جهالت با من برخورد کند، من ابا دارم جواب او را بدهم. این کار به بردباری من و به سفاهت او می‌افزاید. همانند عودی که هر چه بسوزد خوش‌بوتر می‌شود.

از خداوند متعال می‌خواهیم تا به ما توفیق پیروی از سیره اولیایش را عنایت فرماید. و این جمله مولوی را تکرار می‌کنیم:

از خدا خواهیم توفیق ادب      بی‌ادب محروم ماند از لطف حق

بی‌ادب تنها نه خود را کرد بد      بلکه آتش بر همه آفاق زد